

بررسی جرم شناختی تجاوز به عنف سریالی

طی سال‌های ۸۶ تا ۹۰ در کرمان

بهاره پوررضاقلی^۱، هوشنگ پور رضا قلی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۲۷

چکیده

یکی از منفورترین نوع جرائم در جوامع کنونی که با خشونت و آزار جسمی و روحی همراه است. تجاوز جنسی به زنان و کودکان بی‌دفاع است که عوارض ناشی از وقوع این جرم لطمات روحی و معنوی جبران‌ناپذیری بر جای می‌گذارد. تجاوز سریالی یعنی تجاوز به سه نفر یا بیشتر بافاصله زمانی میان تجاوزها با یک شگرد معین توسط یک نفر که این فواصل بین وقوع تجاوز از روزها تا هفته‌ها متفاوت است.

از اوایل سال ۱۳۸۹ در شهر کرمان در بررسی‌های پلیسی مشخص شد یکسری تجاوز به عنف پی‌درپی واقع می‌گردد. در تدقیق مضاعف در چگونگی ارتکاب جرم، مشخص شد که سه متجاوز به عنف بی‌ارتباط با یکدیگر و با شگرد اختصاصی، مبادرت به ارتکاب تجاوز به عنف می‌نمایند. که در نهایت هر سه متهم دستگیر و به‌واسطه اعترافات و به استناد یافته‌های متقن علمی و آزمایشگاهی به اعدام درملاً عام محکوم گردیدند. در بررسی پرونده‌ی هر کدام از متجاوزین به عنف سه‌گانه در کرمان در خصوص علل گرایش به ارتکاب رفتارهای مجرمانه مشخص شد که در هر یک از آنها با یکسری تفاوت‌های قابل‌اغماض، مجموعه عوامل روانی، اجتماعی و ژنتیک دخیل بوده است. در واقع هر یک از متجاوزین دستگیر شده به تناسب ساختار خانوادگی، محل سکونت، رشد و نوع خانواده، دارای دوران طفولیت و نوجوانی همراه با تنش، عدم وجود حمایت‌های مطلوب از سوی خانواده بوده و مدعی هستند که دورانی از تجاوزهای جنسی را در مقام قربانی تجربه نموده‌اند.

واژگان کلیدی: تجاوز به عنف سریالی، روان‌شناسی جنایی، علل فردی تجاوز به عنف، علل اجتماعی تجاوز به عنف، پیشگیری.

^۱ - کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، عضو پژوهشگران دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان کرمان، (نویسنده مسئول)، تلفن: ۰۹۱۳۳۹۹۷۴۰۰ - ایمیل: Traffic_safety88@yahoo-com

^۲ - کارشناس امور جنایی استان کرمان، عضو پژوهشگران دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان کرمان، -۰۹۱۳۱۴۰۳۹۸۰

مقدمه و بیان مسئله

از عمده‌ترین جرائم خشن که تبعات و عوارض سنگین و غیرقابل جبرانی بر فرد و جامعه تحمیل می‌نماید تجاوز جنسی است. در جوامع کنونی برخی از انسان‌ها چنان از فضایل انسانی دوری گرفته و خلق و خوی حیوانی پیشه کرده‌اند که نه تنها هنجارهای موردقبول جامعه را زیر پا می‌گذارند بلکه برای حدود الهی نیز ارزش و احترامی قائل نمی‌شوند و با شیوه و شگردهای مختلف زنان و کودکان بی‌دفاع را مورد آزار و اذیت جنسی قرار می‌دهند. جرم تجاوز و به‌ویژه نوع سریالی آن سبب آسیب‌های شدید و گاه غیرقابل جبران روانی و جسمی برای فرد و ناراحتی وجدان جمعی جامعه می‌شود.

این جرم که از منفورترین و فجیع‌ترین نوع جرائم است که لطمات جبران‌ناپذیری را بر خانواده و اجتماع وارد آورده و حیثیت و عفت عمومی جامعه را جریحه‌دار می‌کند. مرتکبین این جرم افرادی با تمایلات درونی مجرمانه، افکار انحرافی و ذهنی بیمار هستند. قربانیان این جرم مورد انواع آزارهای روحی و جسمی، ضرب و جرح، توهین، تهدید به قتل و همچنین تهیه فیلم و عکس از سوی مرتکبین در حین عمل مجرمانه قرار می‌گیرند. تجاوز جنسی به معنای انجام نزدیکی با فرد بدون رضایت اوست. تجاوز جنسی در حقیقت تنها یک حمله فیزیکی نیست بلکه درعین‌حال حمله معنوی و حمله به شأن انسان است که در آن قربانی در نهایت قساوت مورد تعرض قرار می‌گیرد. با این حال، تعریف این جرم برخلاف انواع جرم شناختی آن، که همیشه و همه‌گاه ثابت بوده است، در طول سالیان اخیر و تحت تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در برخی کشورها دچار تغییر شده است.

از نظر جرم‌شناسی تجاوز به عنف محصول یک اختلال شخصیتی و ناشی از دوران کودکی و نوجوانی مرتکب به شمار می‌رود و مشکلات اقتصادی و فرهنگی و روحی و روانی

از جمله مهم‌ترین عوامل بروز آن است. جرائم جنسی عمدتاً ارتباط تنگاتنگی با شرایط سنی و فرهنگی و اقتصادی مرتکبان دارد. در واقع تجاوز جنسی نوعی انحراف جنسی است که شخص به این دلیل که نمی‌تواند با روش‌های متعارف و با ایجاد رابطه انسانی مشروع و قانونمند نیازهای خود را برطرف سازد با تمسک به زور و جبر و برخلاف میل طرف مقابل به تمامیت جنسی وی تعرض می‌کند. البته در میان تعرض‌کنندگان گاهی پیدا می‌شود افرادی که به دلیل خشونت‌ورزی نسبت به آن‌ها از سوی والدین به‌ویژه مادر یا نامادری و یا زنانی که در تربیت آن‌ها دخیل بوده‌اند کینه زنان را به دل‌گرفته و سعی می‌کنند با تعرض و تجاوز به زنان در دوران نوجوانی این کینه را که در ضمیر ناخودآگاهانه به‌صورت یک اهریمن پنهانی وجود دارد متجلی کنند و سپس با کشتن زنان عطش پنهانی خود را اظفا و خود را ارضا کنند. هدف اصلی از انجام این پژوهش بررسی علل و عوامل بروز جرم تجاوز به عنف به‌ویژه نوع سریالی آن در کشور و به‌ویژه در سطح شهر کرمان است. همچنین ارائه راه‌کارهایی جهت پیشگیری از وقوع این جرم و کاهش سطح ارتکاب جرم در کشور است. در واقع در پی یافتن پاسخی برای این پرسش هستیم که چه کارهای آموزشی می‌توان انجام داد تا قربانیان جرم تجاوز به‌ویژه نوع سریالی آن به حداقل رسیده و علل و انگیزه‌های مرتکبین این نوع جرم بسیار آزردهنده و مغایر با حداقل‌های موازین اخلاقی و انسانی کالبدگشایی و حتی‌الامکان معلوم گردیده و شخصیت روانی و جنایی این دسته از مجرمین موردبررسی واقع و راهکارهای کاهنده این جرم احصاء و دسته‌بندی گردد.

این خشونت هرچند همیشه قتل را به همراه نداشته باشد عموماً تهدید به قتل را به همراه دارد؛ لذا در این تحقیق در پی پاسخ دادن به سؤالات زیر هستیم:

- علل وقوع ارتکاب جرم در سه متجاوز به عنف سریالی دستگیرشده معدوم در کرمان چه بوده، آیا همانند یکدیگر بوده یا تفاوت‌هایی داشته‌اند و انگیزه آن‌ها از ارتکاب این جرم چه بوده است؟

- آیا در بروز مجموعه جرائم ارتكابی سه نفر متجاوز به عنف سریالی دستگیرشده معدوم در کرمان، علل اجتماعی، روانی و ژنتیک مؤثر و دخیل بوده است؟

- آیا بین ارتکاب جرائم جنسی به عنف توسط سه متجاوز به عنف کرمان با گذشته و به‌ویژه دوران طفولیت و نوجوانی آن‌ها ارتباطی وجود دارد؟

پیشینه و مفاهیم تحقیق

به‌طور سنتی در نظام حقوقی کامن‌لا، تجاوز به عنف به معنای دخول آلت تناسلی مردانه در آلت تناسلی زنانه بدون رضایت زن و بدون وجود علقهٔ زوجیت میان آن‌ها بوده است. چنان‌که از این تعریف برمی‌آید، در کامن‌لای سنتی اولاً تنها مردان می‌توانسته‌اند به‌عنوان مرتکبان این بزه مطرح شوند، ثانیاً زنان منحصراً بزه دیده تلقی می‌شده‌اند، ثالثاً تنها تجاوز مهبل‌ی مطرح بوده است، رابعاً دو مؤلفه نارضایتی زن به آمیزش جنسی و نیز نبودن علقهٔ زوجیت میان طرفین نقش کلیدی داشته است. در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ همانند قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ به تبعیت از کتب فقهی، بزهی با عنوان تجاوز به عنف جرم‌انگاری نشده است، اما می‌توان با توجه به دو عنوان مجرمانه زنای به عنف ماده‌ی ۲۲۴، بند ت و لواط به عنف ماده‌ی ۲۳۴ و با در نظر گرفتن تعاریف زنا و لواط مندرج در مواد ۲۲۱ و ۲۳۳ این قانون، تجاوز به عنف را در چارچوب قانون مجازات اسلامی چنین تعریف کرد: هرگاه مردی به‌وسیله آلت تناسلی خود و با توسل به‌زور علیه زنی که در علقهٔ زوجیت او نیست مرتکب دخول مهبل‌ی و یا مقعدی شود و نیز هرگاه مردی به‌وسیله آلت تناسلی خود با توسل به‌زور علیه مردی مرتکب دخول مقعدی شود،

تجاوز به عنف واقع شده است. تعریف تجاوز به عنف در قانون مجازات اسلامی با تعریف سنتی کامن لا از این جرم، شباهت‌های بسیاری دارد. از جمله اینکه بنا بر هر دو تعریف، تنها مردان می‌توانند مرتکب این جرم شوند و همچنین وجود علقهٔ زوجیت از تحقق تجاوز به عنف جلوگیری می‌کند. مهم‌ترین تفاوت به تجاوز مقعدی بازمی‌گردد، یعنی تجاوز مقعدی در قانون مجازات اسلامی جرم انگاری شده است، حال آنکه چنین امری در کامن لای سنتی وجود نداشته است. تعریف سنتی تجاوز به عنف در کامن لا، امروزه دچار دگرگونی شده است، هر چند این تحولات در تمامی نظام‌های تأثیر پذیرفته از کامن لا به یک شکل نیست، در انگلستان و بر اساس قانون عدالت کیفری و نظم عمومی مصوب سال ۱۹۹۴ میلادی، سه تغییر اساسی در تعریف این جرم به وجود آمد:

- جرم انگاری تجاوز مقعدی در کنار تجاوز مهبل.

- با توجه به تعریف کامن لای سنتی از تجاوز به عنف، امکان قانونی تعقیب شوهری به علت ارتکاب تجاوز به عنف علیه همسرش وجود نداشت. این محدودیت در سال ۱۹۹۴، با این توجیه که هر زنی خواه مجرد، خواه متأهل در مقابل هر فردی دارای خودمختاری جنسی است و با این استدلال که هیچ زنی با وقوع عقد ازدواج به تملک شوهرش در نمی‌آید تا شوهر بتواند آزادانه هر عملی با او انجام دهد، قید وجود علقهٔ زوجیت از تعریف تجاوز به عنف حذف گردید. با این حذف نوعی جرم جدید با عنوان تجاوز به عنف باوجود علقهٔ زوجیت به سیاهه‌ی جرائم این کشور اضافه شد که البته این جرم انگاری بیشتر جنبه‌ی نمادین دارد.

- محدودیت جنسیتی بزه دیده، در قانون سال ۱۹۹۴ میلادی برداشته شده است، به طوری که هم زنان و هم مردان بر اساس این قانون می‌توانند بزه دیده باشند.

- با تصویب قانون جرائم جنسی در سال ۲۰۰۳، تعریف تجاوز به عنف گسترده‌تر شده است و علاوه بر موارد مذکور در قانون عدالت کیفری و نظم عمومی سال ۱۹۹۴ تجاوز دهانی نیز به انواع تجاوز به عنف اضافه شده است (لاندون^۱، ۲۰۰۶: ۵۲).

در ایالات متحده امریکا هم تعریف تجاوز به عنف به‌ویژه در سی سال اخیر تقریباً در تمامی ایالت‌های آن کشور به‌طور گسترده‌ای دگرگون شده است. در بسیاری از ایالت‌ها گرایش به سمت ارائه تعریفی وسیع از تجاوز به عنف است، به‌طوری‌که در برخی از آن‌ها چنین تعریف شده است: هرگونه دخول مهبل، مقعدی و یا دهانی، با هر قسمت از بدن و یا با هر وسیله‌ای در صورتی‌که این عمل دارای دلالت جنسی بوده و بدون رضایت انجام پذیرد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود تعریف تجاوز به عنف در سه نظام حقوقی ایران، ایالات متحده امریکا و انگلستان دارای تفاوت‌هایی است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. در تعریف موجود در نظام کیفری ایالات متحده امریکا، هیچ محدودیت جنسی برای مرتکب و بزه دیده وجود ندارد، اما در حقوق ایران و انگلستان تنها مردان می‌توانند مرتکب تجاوز به عنف شوند، هرچند که بزه دیده می‌تواند مرد یا زن باشد.

۲. تعریف دخول جنسی در نظام کیفری امریکا از تعریف حقوق انگلستان وسیع‌تر است. تعریف دخول جنسی در قانون مجازات اسلامی ایران محدود به دخول مهبل و مقعدی است، حال آنکه در نظام کیفری امریکا و انگلستان، دخول دهانی هم می‌تواند از ارکان عنصر مادی جرم تجاوز به عنف به شمار آید.

^۱ - london- Rutledge

در حقوق ایران، وجود پیوند زوجیت، مانعی قانونی در راه تحقق این جرم محسوب می‌شود، در نتیجه هیچ‌گاه زن نمی‌تواند به اتهام ارتکاب تجاوز به عنف علیه همسر خود طرح دعوا نماید (چلبی، ۱۳۹۰: ۲۰۲).

تعاریف متعددی در خصوص این بزه وجود دارد که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: تجاوز برگرفته از کلمه لاتین *Rapere*، به معنای «گرفتن با زور» و در حقوق عرفی به معنای دستیابی شهوانی به یک زن با خشونت و اجبار و برخلاف میل او تعریف می‌شود. بر اساس تعاریف مرسوم و سنتی، تجاوز جنسی شامل آمیزش جنسی غیر توافقی انجام‌شده توسط یک مرد علیه یک زن می‌شود که نه با او ازدواج کرده و نه باهم زندگی کرده‌اند (سیگل، ۱۳۸۵: ۴۸).

انواع تجاوز به عنف

تجاوز به عنف توسط آشنایان: در این نوع تجاوز، بزه دیده و بزه‌کار با یکدیگر سابقه آشنایی دارند، خواه به دلیل پیوند سببی، خواه به خاطر رابطه نسبی و خواه به واسطه رابطه دوستی. برخلاف تصور رایج که ارتکاب چنین تجاوزهایی را نادر می‌پندارند، آمارها حاکی از آن است که مرتکبان حدود ۵۰ درصد از موارد تجاوز به عنف گزارش‌شده به مقامات رسمی، افرادی هستند که به‌نوعی با بزه دیده آشنا بوده‌اند.

تجاوز دسته‌جمعی یا گروهی: در تجاوز به عنف گروهی، دو یا چند نفر در یک مکان و در یک بازه‌ی محدود زمانی به یک یا چند نفر تجاوز می‌نمایند. این نوع از تجاوز به عنف معمولاً با خشونت همراه است و با افزایش تعداد اعضای گروه، امکان ارتکاب و توسل به خشونت فزونی می‌یابد. در مقابل تجاوز به عنف گروهی، تجاوز به عنف انفرادی قرار دارد که در آن فردی به‌تنهایی مبادرت به ارتکاب تجاوز به عنف می‌نماید.

انواع مرتکبان تجاوز به عنف

طبقه‌بندی گروه (ث) از متجاوزان به عنف

گروه (ث) در کتاب «مردانی که تجاوز می‌کنند» می‌نویسد: در هر تجاوزی دست‌کم یکی از سه مؤلفه خشم، قدرت و سادیسم وجود دارد. بنابراین می‌توان با توجه به این سه مؤلفه تجاوزها و متجاوزان را به سه گروه تقسیم نمود.

تجاوز خشم محور: علت اصلی این نوع تجاوز، تخلیه خشم و ناراحتی است تا ارضای تمایلات جنسی. متجاوزان خشمگین از حجم بسیار بالایی از خشونت علیه بزه دیدگان استفاده می‌کنند. برخلاف تصور، هرچند بزه دیدگان این نوع تجاوز، در مقایسه با انواع دیگر تجاوز، متحمل میزان بیشتری از خشونت و آسیب‌های جسمی می‌شوند، اما از حیث سلامت روانی، صدمه کمتری می‌بینند؛ زیرا ایراد ضرب و شتم شدید از سوی بزه‌کار و نمایان شدن آثار آن روی بدن قربانی، همدردی اجتماعی با او را افزایش می‌دهد، در نتیجه میزان احساس شرم در این گروه از بزه دیدگان تجاوز به عنف در مقایسه با انواع دیگر کمتر است. گروه (ث) معتقد است که حدود ۴۰ درصد از تجاوزها و متجاوزان در این دسته جای می‌گیرند.

تجاوز قدرت محور: در این نوع تجاوز، بزه‌کار خواهان استیلاي جنسی بر بزه دیده خویش است. به عبارت بهتر، هدف اصلی تجاوز، به دست آوردن سلطه جنسی بر قربانی است. در این نوع نیز ارضای تمایلات جنسی مسئله اصلی نیست. بیشتر متجاوزان قدرت محور از خشونت استفاده ابزاری می‌نمایند، در نتیجه حجم خشونت استفاده‌شده نسبتاً کم است و این امر به نوبه خود منجر به افزایش میزان آسیب روانی بزه دیدگان می‌شود، زیرا با

فقدان وجود آثار ضرب و جرح روی بدن قربانی، میزان حس ترحم و همدردی اجتماعی با وی کاهش می‌یابد و مسئله اثبات تجاوز نیز با مشکل روبه‌رو می‌شود.

تجاوز سادیستی: در این نوع تجاوز، دو مؤلفه خشونت و تمایلات جنسی در کنار هم قرار دارند، به این معنا که متجاوز، بزه دیده را شبیه کسی می‌پندارد که از او تنفر دارد. از این‌رو با ارتکاب تجاوز و شکنجه وی از خشم خود فرو می‌کاهد و در همان حال از انجام این عمل، لذت جنسی می‌برد.

طبقه‌بندی تلفیقی

با توجه به شواهد موجود و همچنین با در نظر گرفتن تقسیم‌بندی گروه (ث) و نیز تقسیم‌بندی جان‌کنراد از مجرمان جرائم خشونت‌آمیز، می‌توان متجاوزان به عنف را به چهار گروه تقسیم کرد:

۱. افرادی که تحت تأثیر انگاره‌های فرهنگی، مرتکب این جرم می‌شوند. نمونه بارز چنین امری را می‌توان در فرهنگ‌هایی جستجو کرد که در آن‌ها زنان به‌مثابه مایملک جنسی شوهران به حساب می‌آیند، در نتیجه مرد از نظر فرهنگی مجاز است تا هر زمان که اراده کند، بدون در نظر گرفتن رضایت و میل زن، با او رابطه جنسی داشته باشد.

۲- متجاوزانی که برای فرار از حالت تحقیر و سرخوردگی یا خشمی که به مناسبت درگیری در کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی دچار آن شده‌اند، مرتکب تجاوز به عنف می‌شوند.

۳. بزه‌کارانی که به خاطر سرگشتگی اجتماعی مرتکب این جرم می‌شوند. به این معنا که در برخی از جوامع که در حوزه هنجارهای اخلاق جنسی دچار مشکلاتی هستند، به دلیل بروز اشکال در رسیدن به تفسیر واحد از کنش‌ها، امکان سوءتعبیر بالا رفته،

در نتیجه امکان بروز تجاوز به عنف افزایش می‌یابد. گاهی امکان دارد که فردی، کنش شخص مقابل خود را به نوعی دعوت ضمنی به برقراری رابطه جنسی تلقی نماید حال آنکه مقصود آن فرد چیز دیگری بوده است.

۴. متجاوزان بیماری که به دلیل مشکلات روانی مرتکب این عمل می‌شوند. مصداق بارز آن‌ها کسانی هستند که از آزار جنسی قربانی و نه انجام عمل جنسی با او لذت می‌برند. این اشخاص دچار سادیسم جنسی هستند.

اصولاً این جرم را می‌توان از جهات مختلف دسته‌بندی کرد. دو مورد از مهم‌ترین این جهات به ترتیب عبارت‌اند از: ۱- انگیزه مرتکب، ۲- جنسیت بزه‌کار و بزه دیده. بدین معنا که اگر انگیزه مرتکب به هر شکلی، عملی در راستای منافع فردی او باشد، در این صورت می‌توان این جرم را به‌مثابه جرمی عادی تلقی کرد و آن را تجاوز به عنف عادی نام نهاد. اما اگر انگیزه مرتکب، نه منافع فردی بلکه امتثال امری در راستای اهداف سیاسی و عقیدتی باشد، آنگاه می‌توان این بزه را با توجه به اسناد بین‌المللی به‌مثابه نسل‌کشی یا جنایت علیه بشریت تلقی نمود. همچنین می‌توان تجاوز به عنف را بر اساس مؤلفه جنسیت به چهار نوع تقسیم کرد که شایع‌ترین نوع آن، حالتی است که در آن مرتکب مرد و قربانی زن است (چلبی، ۱۳۹۰: ۲۰۶-۲۰۸).

تجاوز به عنف سریالی یعنی تجاوز به سه نفر یا بیشتر بافاصله زمانی میان تجاوزها با یک شگرد معین توسط یک نفر. این فواصل یا مدت‌زمانی موجود بین وقوع تجاوزها از روزها تا هفته‌ها و مدت‌ها متفاوت است.

بین تجاوزهای سریالی و غیر سریالی تفاوت شکلی وجود دارد. در تجاوز غیر سریالی موردی نشانه‌هایی از بزرگنمایی و روابط قبلی منجر به تجاوز را می‌توان دید. قربانی مدعی است که یک سطح تعریف‌شده از رابطه با فرد مذکر برای خودش طراحی کرده در همان

سطح هم با خودش مراد داشته این مراد از نظر جغرافیا موقعی به مکانی می‌رسد که امکان غلبه بر فرد از نظر جنسی مهیا داشته است. آنجا حالت عنف داشته و یک پیش‌زمینه از رابطه هم وجود دارد و در واقع به همان‌جا ختم نمی‌گردد.

قربانیان جرائم سریالی هیچ‌کدام واجد این وصف نبوده آن‌ها مورد شناخت قربانی نبوده و اگر تسلیم شدند به خاطر الزام بوده و در واقع یک فرد چاقو به دست بوده که آن‌ها تن به این کار داده‌اند. قربانی اصل حیات خود را به مخاطره می‌بیند یا حداقل سلامتی ترمیم ناپذیر خودش را در معرض خطر می‌بیند و تبعات رابطه جنسی را کمتر از آن می‌بیند که تن به این کار می‌دهد.

از اوایل سال ۱۳۸۹ در شهر کرمان در بررسی‌های پلیسی و بر اساس پرونده‌های واصله مشخص شد یکسری تجاوز به عنف پی‌درپی از طریق ورود به عنف به منازل، دفاتر مؤسسات دارای کارمند مؤنث و آرایشگاه‌های زنانه واقع می‌گردد. درتدقیق مضاعف در ماهیت و چگونگی ارتکاب و شیوه و شگرد ارتکاب جرم، این نظریه مطرح شد که به احتمال قوی سه متجاوز به عنف بی‌ارتباط با یکدیگر و با روش‌های ارتکابی و شگرد اختصاصی، مبادرت به طراحی و اجرای تجاوز به عنف نسبت به بانوان در منازل و اماکن مختلف می‌نمایند. مجموعه اقدامات تحقیقاتی مبتنی بر تحصیل یافته‌های عملی مربوط به صحنه‌های جرم و اندام قربانیان و انجام عملیات مبتنی بر یافته‌های معتبر علمی و آزمایشگاهی، موجبات دستگیری پی‌درپی هر سه متجاوز به عنف به ترتیب در بهمن‌ماه ۸۹، تیرماه ۹۰، اسفندماه ۹۰ گردید.

- یکی از متجاوزین به‌عنوان مأمور آب، برق، گاز به منازل مردم در زمان وقت اداری می‌رفت اگر کسی غیر از زن در خانه نبود با استفاده از سلاح سرد زنان را مجبور به تجاوز می‌کرد. (مرتکب ۱۲ فقره تجاوز)

نفر دوم: با تعقیب قربانیان و یا بررسی اوضاع در موقعیت‌های مختلف از جمله: داخل آسانسور، در مسیر مدرسه، در ساختمان‌های در حال احداث، آرایشگاه‌ها، دفاتر روزنامه، دفاتر بیمه و هر جایی که زن تنهایی بود مراجعه می‌کرد و جرم را انجام می‌داد. (مرتکب ۵۰ مورد تجاوز)

مرتکب سوم: به منزل افراد رفته تجاوز همراه با سرقت داشت آن‌هم سرقت اشیا گران قیمت. (مرتکب ۷ فقره تجاوز)

که هر سه متهم به واسطه اعترافات صریح در تشکیلات پلیسی و مراجع قضایی و به استناد یافته‌های متقن علمی و آزمایشگاهی و طی مراحل مختلف دادرسی به اعدام درملاً محکوم گردیدند.

ویژگی‌های شخصیتی مجرمین جنسی

عده‌ای معتقدند که در خشونت جنسی مجرم به لحاظ شخصیتی دارای اوصاف خاصی است. اما برخی دیگر این ادعا را بی‌ربط دانسته‌اند. حالت میانه‌ای از این دو ادعا را می‌توان صحیح دانست. بی‌سوادی، فقر، عقده‌های حقارت، بزه دیدگی جنسی و ضعف فرهنگی تمام ذهنیت فرد را تشکیل می‌دهد و همین عوامل در شکل‌گیری شخصیت مجرمانه او مؤثر خواهند بود (السان، ۱۳۸۷: ۱۴۷).

در ذیل به ذکر برخی ویژگی‌های شخصیتی و روانی مجرمین جنسی می‌پردازیم: مجرمان جنسی ویژگی‌های متفاوتی دارند اما برخی از آن‌ها را می‌توان به‌عنوان بارزترین این خصوصیات نام نهاد که عبارت‌اند از:

الف- مهارت‌های اجتماعی پایین: این‌گونه افراد معمولاً توانایی کمی در حل و فصل مسائل دارند و به دنبال راه‌حل‌های سریع برای برطرف کردن نیازهای خود هستند و

توانایی به تعویق انداختن خواسته‌های خود را جهت یافتن راه‌حل بهتر ندارند. در واقع اینان افرادی کم‌صبر، عجول و بسیار کم‌تجربه هستند.

ب- برانگیختگی: این دسته از افراد در موقعیت‌های متفاوت روزمره بدون تصمیم‌گیری قبلی و به‌طور ناگهانی وارد عمل می‌شوند و به‌سختی می‌توان با آنان تعامل داشت.

پ- فرار از مسئولیت: این مجرمان اغلب بشدت تلاش می‌کنند تا نقش خود را در جرم ارتکاب یافته کمرنگ سازند و در این راستا مدام در حال سرزنش قربانیان، دوستان و یا خانواده‌شان هستند و آن‌ها را مقصر می‌دانند. این افراد آخرین کسانی هستند که به عمل خود برچسب «مجرمانه» می‌زنند.

ت- علاقه به خشونت: معمولاً میان سوءاستفاده جنسی از اشخاص و بدرفتاری با حیوانات ارتباطی وجود دارد. این افراد درصددند کسانی را انتخاب کنند که از آن‌ها ضعیف‌ترند و هیچ بیم و تردیدی نسبت به واردکردن هرگونه صدمه و آسیب به موانعی که بر سر راه اجرای تصمیمشان است، به خود راه نمی‌دهند.

ث- مستی جهت توجیه جرم: این افراد نیازمند این هستند که قبل از اقدام به هر عملی که دربرگیرنده خطر یا تهدید باشد، خود را از هرگونه احساس خالی نمایند تا بر اضطراب احتمالی غلبه کرده خشونت را که در آن جرم مورد استفاده قرار می‌دهند، توجیه نمایند و بزه دیده را سرزنش می‌کنند که آن‌ها را تحریک نموده است.

ج- سابقه خشونت: یکی از مهم‌ترین مسائل در خصوص این مجرمان آن است که اکثراً در گذشته یا مرتکب خشونت شده‌اند و یا خود قربانی انواع سوءاستفاده‌های جنسی بوده‌اند. کودکانی که حتی شاهد خشونت‌های کلامی نسبت به اعضای خانواده خود بوده‌اند، در معرض خطر ارتکاب سوءاستفاده جنسی در بزرگسالی هستند. از طرفی

افرادی که در کودکی مورد خشونت جنسی قرار گرفته‌اند این امر را می‌آموزند که استفاده از خشونت برای آنچه می‌خواهند مؤثر است (متانکلایی، ۱۳۸۹: ۱۲۸).

د- قدرت با اعتماد به نفس: به نظر او تجاوز نشان‌دهنده‌ی قدرت جنسی بالای اوست و علاقه به مالکیت روی قربانی دارد و به همین دلیل از قدرت استفاده می‌کند. از نظر خانوادگی و اجتماعی ممکن است خانواده او مشکل‌دار باشند و خود او نیز ممکن است قربانی تجاوز بوده باشد. او قدرت خود را در لباس پوشیدن و ماشین هم به نمایش می‌گذارد. قربانیان او اغلب هم سن بوده و بر اساس راه دادن و ضعف انتخاب می‌شوند. بدون ترس از به دام انداختن، اشتباهات زیادی می‌کند و علائم زیادی به‌جا می‌گذارد و با تکرار جنایت، خشونت خود را افزایش می‌دهد.

ه) خشم و غضب تلافی‌جویانه: انگیزه او نفرت و عصبانیت از زنهاست و او را وادار به انجام جنایت می‌کند. او با این جنایت‌ها، کارهای واقعی یا صوری زن‌ها را تلافی می‌کند. از لحاظ خانوادگی و اجتماعی دارای مشکل است، اغلب متأهل هستند و در سطح خوب درسی و کاری قرار دارد. دارای معشوقه و دوست‌دار ورزش‌هایی است که نشان‌دهنده‌ی توانایی بدنی و جنسی او هستند. قربانیان اغلب ناشناس، هم سن یا بزرگ‌تر از او هستند و شباهت‌هایی با زنانی دارند که او را عصبانی کرده‌اند.

و) سادیسم: پایه و اساس کارهای او اسطوره‌سازی خشونت است. درد و رنج روی قربانی و وحشت او مهم‌ترین خشنودی جنسی است که می‌تواند تجسم کند. از لحاظ اجتماعی و خانوادگی نسبت به دیگران اعتنایی ندارد، بی‌اعتنا و خودبین بوده و از دوران کودکی و بلوغ و جوانی و بعد از آن، حق و حقوق دیگران را پایمال می‌کند. مجرم دارای ظاهری فریبنده است که باطن خشن و بدطینت او را می‌پوشاند. دارای خانواده‌ای مسئله‌دار و گذشته‌ای ناخوشایند است. درجه شغلی و تحصیلی متوسط و کارمند دارد و متأهل

است. قربانیان او زنان ناشناس که ضعیف و خشن نیستند. طرز عمل او به همراه خود سلاح یا طناب و بند دارد و با زبان و رفتار خود قربانی را تخریب روانی می‌کند. اعمال او طولانی بوده و در مکانی مطمئن و زیر نظر او انجام می‌شود و در نهایت خشنودی جنسی و رضایت با عذاب و زجر قربانی به دست می‌آید و ممکن است در جستجوی خوشحالی برتر یا یافتن هویت خویش به کشتن ختم شود.

با خودنگری بالایی که از خود دارد و کوچک نگری پلیس و تحقیر آن‌ها امکان اشتباه فراوان از ناحیه او وجود دارد (اداره برآورد اجتماعی، ۱۳۹۱: ۱۰).

مبانی نظری تحقیق

در دیدگاه‌های جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی، برای تبیین پیامدهای کج‌روی‌های اجتماعی معمولاً از برداشتی کارکردی استفاده می‌شود که به‌جای توجه به فرد، جامعه را به‌طور کلی مورد توجه قرار می‌دهد. در همین راستا برخی از نظریه‌های جرم‌شناسی که به‌نوعی با تبیین علل اجتماعی بزه تجاوز به عنف مرتبط هستند، تشریح می‌شود. هر یک از این نظریه‌ها، علت اجتماعی خاصی را عامل اساسی وقوع جرم می‌داند.

آنومی اجتماعی: در هر جامعه‌ای، نظام هنجاری مورد وفاق، خواه در وجه اجتماعی و

خواه در وجه اخلاقی دارای چهار نوع کارکرد است:

- تنظیم رفتار افراد: از آنجاکه هنجارها، الگوهای رفتار هستند، نظام هنجاری، رفتار افراد را از حیث آنکه هر فرد در هر موقعیتی چه رفتاری را باید انجام دهد، تعیین و تنظیم می‌نماید.

- ایجاد همبستگی اجتماعی: وجود نظام هنجاری مورد وفاق، میزان شباهت افراد را به یکدیگر افزایش می‌دهد و هرچه شباهت افراد به هم بیش‌تر باشد، همبستگی اجتماعی قوی‌تر خواهد شد.

- پیش‌بینی پذیرتر کردن رفتار افراد: پذیرش هرچه بیشتر هنجارها به‌عنوان الگوهای رفتاری از سوی مردم، کنش و واکنش آن‌ها را در مقابل یکدیگر قابل پیش‌بینی تر می‌نماید.

- قابل‌فهم‌تر کردن رفتار افراد: وجود الگوهای رفتاری مورد وفاق در سطح جامعه به مردم کمک می‌کند تا بهتر بتوانند کنش‌ها و واکنش‌های یکدیگر را درک و فهم کنند.

از یک‌سو، بنا بر نظر دورکیم، در هر جامعه‌ای به‌هنگام گذر از مرحله سنتی که در آن تقسیم‌کار ساده است، به مرحله مدرن که ویژگی آن تقسیم‌کار پیچیده است، حالتی به وقوع می‌پیوندد که در آن جامعه نه یکدست سنتی است و نه یکدست مدرن. در چنین شرایطی نه نظام هنجاری پیشین از قوت و استحکام برخوردار است و نه نظام هنجاری جدید کاملاً جافتاده است. در چنین شرایطی که دورکیم آن را آنومی ۲ نام نهاده است، جامعه دچار بی‌هنجاری و یا خلأ هنجاری می‌شود. به عبارت دقیق‌تر، از تعداد و دامنه هنجارهای مورد وفاق به مقدار زیادی کاسته می‌شود. این پدیده، در کل نظام هنجاری از جمله هنجارهای اخلاقی قابلیت وقوع دارد. در زمان آنومی، پنج حادثه در سطح جامعه رخ می‌دهد:

- جامعه به سمت بدترین نوع فردگرایی، یعنی فردگرایی خودخواهانه گرایش می‌یابد.
- با توجه به کم شدن میزان هنجارهای مورد وفاق، گستره و شدت کنترل اجتماعی کاهش می‌یابد.

- همبستگی اجتماعی تضعیف می‌شود.

- قابلیت پیش‌بینی پذیری رفتار افراد کاهش می‌یابد.

- قدرت افراد در فهم و درک رفتارهای متقابل کاهش می‌یابد.

بر اساس یافته‌ها، در کشورهایی که حرکت به سمت برابری جنسیتی را آغاز می‌کنند، نرخ تجاوز به عنف به صورت مقطعی افزایش می‌یابد (سیگل، ۱۳۸۵: ۳۲۹).

همچنین نرخ وقوع این جرم در محله‌هایی که در آن‌ها شمار خانواده‌های گسسته و تعداد مهاجران زیاد است، در مقایسه با محله‌هایی که دارای چنین ویژگی‌هایی نیستند بیشتر است. همچنین در سطح روابط میان فردی، تجاوز به عنف در برخی موارد به دلیل بدفهمی در روابط متقابل واقع می‌شود. از سویی درحالی‌که بزه دیده رفتار و گفتار خود را بهنجار تلقی می‌کند، در همان زمان شخص مرتکب، رفتار و گفتار طرف مقابل را به‌نوعی، حمل بر دعوت ضمنی به برقراری رابطه جنسی می‌نماید.

تجاوز یک عمل جنسی نیست، بلکه عمل قدرت و استفاده از رابطه جنسی به‌عنوان یک سلاح است. این اصل مرکزی متمرکز بر تحلیل تجاوز جنسی متمرکز بر فمینیسم است. تحقیقات انجام‌شده بر این مسئله تأکید دارند که انگیزه‌های قدرت و عصبانیت در توجیه تجاوزها برای خشونت جنسی موجه‌تر از امیال جنسی هستند و مردان متجاوز جنسی به‌صورت آزادانه‌ای می‌پذیرند که خیال‌بافی‌های جنسی‌شان مهاجم و سادیسمی هستند. تحقیق اخیر استیون تامسون در رابطه با تجاوزگرانی که در ملاقات با دوست‌دخترشان به آن‌ها تجاوز می‌کردند، تجاوزگرانی را توصیف می‌کند که پیروزی را طرح‌ریزی می‌کنند اما اعتقادی به تجاوز نداشته یا چیز اشتباهی در این کار نمی‌دیدند. هنوز به‌رغم اینکه تجاوز تلاشی در کنترل اجتماعی است نتایج تحقیق سال ۱۹۹۹ نشان می‌دهد که قربانیان تجاوز جنسی تنها زنان قدرتمند از نظر اجتماعی نیستند زنانی هم که کارمند نیستند، فقیر، مسن‌تر، مجرد، سفیدپوست یا ساکن حومه شهر هستند هم در معرض تجاوز جنسی قرار دارند (فرانک، ۱۳۸۸: ۱۹۹).

نظریه یادگیری اجتماعی: تئوری یادگیری اجتماعی بیان می‌کند که خشونت اجتناب‌ناپذیر نیست، اما به جای آن یک رفتار اجتماعی است، که یاد گرفته می‌شود و از طریق نتایج آن شکل گرفته است. به عبارت دیگر خشونت ادامه دارد زیرا تقویت شده است. خشونت جنسی در جوامع بشری مطابق با هرم دوام دارد زیرا از طریق اعضای با قدرت جامعه شکل گرفته است. مطالعات نشان می‌دهد که کودکانی که بیشتر در معرض خشونت والدینشان قرار داشتند احتمال بیشتری برای ارتکاب خشونت در روابط صمیمی در بزرگسالی دارند. به نظر می‌رسد ساختار خانواده بر نگرش‌ها و رفتار کودکان تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال مردی که در یک ساختار خانواده مردسالار که مرد در آن نقش مهمی دارد، احتمال ارتکاب خشونت و تجاوز به آشنا و آسیب زدن به شریکشان در او در بزرگسالی بیشتر از کسی است که در یک خانواده با حقوق مساوی بزرگ شده است، می‌باشد. علاوه بر این روابط این مردان با مادرانشان مشکل‌دار است. در بیشتر مثال‌ها، این مردان نشان داده‌اند که مادران سلطه‌جو یا تحت کنترل مرد هستند. مجرمان جنسی در کودکی، تربیت ضعیف، نظارت ضعیف، سو استفاده فیزیکی، غفلت و جدایی از والدین را تجربه کرده‌اند. مدارکی وجود دارد مبنی بر اینکه پسرانی که مورد سو استفاده جنسی قرار گرفته‌اند، احتمال بیشتری وجود دارد که در بزرگسالی مجرم جنسی شوند. بر اساس این نظریه، تجاوز به عنف، مانند سایر جرائم خشونت‌آمیز، رفتاری آموختنی است، یعنی مردان از راه‌های گوناگون به‌ویژه از طریق ارتباط با گروه همسالان، رسانه‌های گروهی و... راه و رسم و شیوه‌های تجاوز کردن را می‌آموزند (فرانک، ۱۳۸۸: ۲۲۳).

پیکره‌ی دیگر تئوری‌ها نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی - فرهنگی به وقوع خشونت جنسی کمک می‌کند. این تئوری‌ها نشان می‌دهد که جامعه ما به‌طور ضمنی خشونت

جنسی را از طریق توقعات و رسوم فرهنگی که در طول تاریخ از خانواده‌ها، رسانه‌ها و مؤسسات مختلف منتقل می‌شوند پذیرفته و تشویق می‌کند.

اصولاً در جوامعی که در آن‌ها فرهنگ خشونت پر دامنه است و همه‌افراد از دولتمردان گرفته تا نخبگان غیردولتی، از سطح مدارس گرفته تا نشریات و رسانه‌های همگانی، خشونت را به‌نوعی تقدیس می‌نمایند، نرخ قتل و تجاوز به عنف بال است.

پیروان نظریه یادگیری اجتماعی جرم در این حوزه بر تأثیر آثار پورنو گرافی بر نرخ تجاوز به عنف تأکید زیادی دارند. از منظر ایشان با توجه به اینکه در آثار پورنو گرافی اولاً زنان به‌نوعی تحقیر می‌شوند و ثانیاً خشونت‌ورزی در انجام اعمال جنسی تلویحاً ترویج می‌شود، معتقدند کسانی که به‌صورت مکرر و مداوم به تماشای چنین آثاری می‌پردازند، مدلی از رابطه جنسی را به‌صورت امری عادی و طبیعی می‌پذیرند که در آن زنان هم‌زمان مورد تحقیر و خشونت قرار می‌گیرند و پیاده کردن چنین الگویی در جهان واقع چیزی جز ارتکاب تجاوز به عنف نیست.

ناگفته نماند که درباره وجود رابطه مستقیم میان تماشای آثار پورنو گرافی و ارتکاب تجاوز به عنف سه نظر وجود دارد و شگفت آنکه تمامی این نظرها به‌نوعی بر یافته‌های پژوهشی استوار می‌باشند. درحالی‌که گروهی معتقد به وجود رابطه مستقیم میان تماشای آثار پورنو گرافی و ارتکاب تجاوز به عنف هستند، عده‌ای دیگر وجود چنین رابطه‌ای را مطلقاً انکار می‌نمایند و برای تأیید نظر خود به کشور ژاپن اشاره می‌نمایند، زیرا از یک‌سو آثار هرزه‌نگاری در این کشور بدون محدودیت قانونی در دسترس عموم قرار دارد. از سوی دیگر، نرخ تجاوز به عنف در ژاپن پایین است.

اما شمار دیگری از پژوهشگران، با تقسیم آثار هرزه‌نگاری بر اساس محتوای آن‌ها به دودسته خشونت‌آمیز و غیر خشونت‌آمیز، بر این اعتقادند که میان تماشای آثار هرزه‌نگاری

با محتوای خشونت‌آمیز و ارتکاب تجاوز به عنف رابطه مستقیم وجود دارد، حال آنکه چنین رابطه‌ای در خصوص تماشای آثار هرزه‌نگاری غیر خشونت‌آمیز وجود ندارد (چلپی، ۱۳۹۰: ۲۱۴).

فرضیات تحقیق

- علل متفاوتی در ارتکاب جرم توسط آن‌ها دخیل بوده و هرکدام از متجاوزین به عنف سه‌گانه در کرمان در علل و عوامل گرایش به ارتکاب رفتارهای مجرمانه به عنف و همچنین انگیزه ارتکاب جرم دارای اشتراکات و افتراقاتی بوده‌اند.

- در واقع در هر یک از سه متجاوز به عنف دستگیرشده در کرمان با یکسری تفاوت‌های قابل‌اغماض، مجموعه عوامل فردی، روانی، اجتماعی و ژنتیک مطرح بوده است.

- هر یک از متجاوزین دستگیرشده به تناسب ساختار خانوادگی، محل سکونت، رشد و نوع خانواده، دارای دوران طفولیت و نوجوانی همراه با تنش، عدم وجود حمایت‌های مطلوب و معطوف به حضور در خارج از محیط خانه بوده و مدعی هستند که دورانی از تجاوزهای جنسی را در مقام قربانی یا شاهد تجربه نموده‌اند.

یافته‌های تحقیق

بررسی علل فردی تجاوز به عنف در پرونده‌های سال‌های ۸۶ تا ۹۰ در کرمان

در این گفتار به بررسی علل فردی، شخصی و روانی در پرونده‌های مذکور می‌پردازیم.

بررسی علل شخصی

همان‌طور که بیان شد علل شخصی عبارت‌اند از آسیب سوءاستفاده در کودکی، مصرف الکل، عوامل جسمی که در این بخش به بررسی این علل در متجاوزین پرونده‌های مذکور می‌پردازیم.

الف) آسیب سوءاستفاده جنسی در کودکی: در خصوص سوءاستفاده جنسی در کودکی، روان‌شناسان معتقدند بسیاری از روان‌نژندی‌ها و معضلات رفتاری و روحی و روانی افراد بزرگسال، به سبب آسیب‌های جدی و پنهانی است که در دوران خردسالی به فرد وارد شده است. یکی از این آسیب‌ها، اختلالات ناشی از اذیت و آزار جنسی است که بر اثر ناآگاهی و یا ترس کودکان همواره پنهان می‌ماند. زیرا کودکان از اینکه مورد قضاوت بزرگسالان قرار بگیرند در هراس هستند (ژولیده، ۱۳۹۱: سایت اینترنتی روان یار).

مشکلات و آسیب‌هایی که برای کودکانی که مورد سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرند، به وجود می‌آید عبارت‌اند از، افسردگی، اضطراب، احساس گناه، اختلالات جنسی، خیس کردن جای خواب، مشکلات رفتاری و تحصیلی در مدرسه به عدم مشارکت در فعالیت‌های جمعی مدرسه و اجتماع. این مشکلات تا دوران بزرگسالی و گاه تا پایان عمر فرد به قوت خود باقی می‌ماند و علاوه بر این تحقیقات نشان می‌دهد که تمام افراد پدوفیل، افراد بزرگسال تعرض‌کننده به کودکان در دوران کودکی مورد تعرض جنسی قرار گرفته‌اند. بنابراین قربانیان آزار و اذیت جنسی در دوران کودکی به احتمال زیاد در بزرگسالی خود به دیگران تجاوز می‌کنند و یا در روابط جنسی سوءاستفاده گرایانه شرکت می‌نمایند بنابراین تأثیرات ناخوشایند سوءاستفاده‌های دوران کودکی از وسعت بسیار زیادی برخوردار است.

ب) مصرف الکل: حرمت شرعی شرب خمر سبب جرم‌انگاری این عمل در قوانین جزایی ما شده است. ریشه این ممنوعیت به این موضوع برمی‌گردد که مسکرات بر هوشیاری و عقل انسان اثر می‌گذارد. زوال عقل در نتیجه شرب خمر پیامدهای زیان‌باری دارد. اعتماد به نفس کاذب، کاهش حرکات تعقل و احساس باعث بروز تصمیمات اشتباه و زیان‌بار دیگر نیز می‌شود. بنابراین شرب خمر می‌تواند زمینه وقوع جرائم دیگری را هم به

وجود بیاورد. مصرف مشروبات الکلی زمینه ارتکاب جرائم را در افراد افزایش می‌دهد (معاونت حقوقی و امور مجلس: www.hvm.ir).

به طوری که بسیاری از افراد در حین شراب‌خواری مرتکب جرائم خشن مانند تجاوز به عنف، قتل و خودکشی می‌شوند.

راهکارهای کاربردی و عملی برای جلوگیری از وقوع تجاوز به عنف بر طبق

پرونده‌های مورد بررسی

بر اساس مجموعه یافته‌های تحقیقاتی و بررسی‌های انجام‌شده راهکارهایی بر مبنای کارکردهای اجتماعی، پلیسی و قضائی به شرح زیر تقدیم می‌گردد که این راهکارها با این فرض تنظیم شده که تمامی ساختارهای نام‌برده شده وظایف تعیین‌شده را به نحو مطلوب و کامل انجام خواهند داد.

راهکارهای اجتماعی

۱- ایجاد الزامات قانونی در سازمان بهزیستی برای برقراری مستمر انواع حمایت‌های مادی، معنوی، اقتصادی و معیشتی درباره آن دسته از زنان قربانی تجاوز جنسی که به همین علت از سوی همسران خود طرد می‌گردند.

۲- افزایش مداوم، مستمر و مؤثر آگاهی‌های شهروندان درباره انواع رفتارهایی که می‌تواند آن‌ها را به قربانی جرم تجاوز جنسی تبدیل نماید، از طریق انجام آموزش‌های چهره به چهره برای شاغلان، اصناف و حرف در معرض تهدید، آموزش در مدارس و دانشگاه‌ها (برای دانش‌آموزان، دانشجویان و والدین)، تبلیغات رسانه‌ای (دیداری، شنیداری و مکتوب) از نوع مستمر و به‌هم‌پیوسته برای کاهش زمینه ارتکاب و تحقق جرم و کاهش قربانیان.

۳- ساماندهی و متناسب‌سازی نحوه اقامت دانشجویان دختر غیربومی مقیم خارج از خوابگاه‌های دانشجویی بر مبنای واقعیت‌های اجتماعی، امنیتی محل‌های اقامت و نوع منزل انتخابی به‌منظور جلوگیری از اقامت منجر به آسیب و تهدید دختران دانشجو در محلات و منازل جرم خیز، ناامن و دارای احتمال طراحی و تحقق جرائم جنسی درباره این دسته از دانشجویان به‌عنوان یک گروه عمده و فاقد اطلاعات از واقعیات جامعه غیرموطن خود، در ساختار معاونت رفاهی، دانشجویی دانشگاه.

۴- تهیه بانک اطلاعاتی روزآمد و واقعی از محل‌های دقیق سکونت و اقامت دانشجویان دختر غیربومی بر مبنای ساماندهی و متناسب‌سازی محل‌های اقامت و سکونت آنان به‌منظور انجام مراجعات حضوری و حمایتی از سوی مقامات مسئول دانشگاه (به‌شرط نیاز) همراه با اعلام مکتوب و رسمی مراتب به ساختار پلیسی منطقه برای اطلاع و برقراری پوشش انتظامی مقدر درباره این دسته از افراد.

۵- ایجاد اصلاحات جدی و بنیادین در امور اجتماعی که می‌تواند بستر و زمینه ارتکاب جرائم جنسی گردد از قبیل:

۱-۵: ممانعت از فعالیت فاقد هرگونه ضابطه و نشانه خودروهای غیر تاکسی در جابه‌جایی مسافران.

۲-۵: ایجاد ممنوعیت در بهره‌گیری شهروندان از خودروهای فاقد ضابطه و نشانه برای تردهای درون و برون‌شهری.

۳-۵: گسترش و متناسب‌سازی کمی و کیفی ناوگان درون و برون‌شهری (در نوع دولتی و خصوصی آن) در حدی که شهروندان برای انجام تردد نیازمند استفاده از وسایل نقلیه غیررسمی نباشند.

۴-۵: متناسب‌سازی و ایجاد بازدارندگی در ورودی به شرکت‌های خصوصی، دفاتر آموزش گاه‌ها، آرایشگاه‌های زنانه و تمامی اماکنی که بانوان تنهای باقابلیت دسترسی مجرمین جنسی در آن‌ها حضور و اقامت دارند، از طریق ایجاد تغییرات فیزیکی بر روی درب + نصب آیفون تصویری دارای حافظه میان‌مدت + نصب دوربین با زاویه دید مطلوب دارای حافظه میان‌مدت.

۵-۵: تجهیز قربانیان بالقوه و محتمل (بر مبنای اولویت‌بندی شدت تهدید) به اسپری اشک‌آور همراه با تعلیم نحوه به‌کارگیری آن.

۶-۵: تجهیز اماکن محل حضور، فعالیت و اقامت بانوان تنهای دارای احتمال ورود و فعالیت مجرمانه متجاوزین جنسی به زنگ اخبار متصل به ساختمان‌های تجاری و مسکونی مجاور.

۷-۵: ایجاد تغییرات ساختاری (نرم‌افزاری - سخت‌افزاری) برای کاهش تدریجی و نفی ضرورت ورود افراد به درون منازل مردم برای قرائت انواع کتورهای منصوب از طریق جایگزینی قرائت از نوع غیرحضور و از راه دور.

۸-۵: ساماندهی تمرکزی و الزام‌آور کلیه عناصر فعال در قرائت انواع کتورهای آب، گاز، برق و کلیه سرویس‌های خدماتی دارای ضرورت ورود به منازل و اماکن خصوصی با انجام اقدامات شامل: طی فرآیند استخدامی افراد + بررسی سوابق کیفی + تهیه و ارائه کارت‌های شناسایی پیشرفته و غیرقابل جعل، واحد و معرفی شده در رسانه‌های عمومی و تبلیغات محل‌های + قطعیت استفاده از اونیفورم مشخص دارای علامت‌های از قبل معرفی شده و غیرقابل جعل و ساخت مشابه.

۶- ایجاد الزامات قانونی، قطعی و حتمی برای حمایت مداوم و برقراری روند درمان و ترمیم روحی و روانی قربانیان تجاوزهای جنسی در سازمان بهزیستی کشور به شرط معرفی قربانیان از سوی مراجع قضایی مسئول پرونده.

پلیسی

۱- جانمایی، شناسایی و علامت‌گذاری اماکن خصوصی دارای احتمال فعالیت مجرمین جنسی در کلانتری‌ها و برقراری حتمی و قطعی ایجاد پوشش و گشت انتظامی پنهان و آشکار از نوع پیشگیرانه (تدافعی) و مقابله‌ای (تهاجمی).

۲- افزایش گشت‌های پلیسی پنهان و آشکار متناسب با ساعات غالب وقوع جرائم جنسی به عنف در حاشیه شهرها، مناطق خلوت و غیرمسکونی، جنگل‌ها، باغات و مزارع حومه شهرها.

۳- تشکیل و تکمیل بانک ملی اطلاعات ژنتیک متجاوزین جنسی دستگیرشده با توجه به احتمال آزادی تعدادی از این مجرمین (به علل گوناگون از قبیل ضعف دلایل، ضعف تحقیقات، گذشت قربانی جرم و...) و بهره‌برداری‌های تطبیقی و مقایسه‌ای با احتمال تکرار جرم توسط این‌گونه افراد در محل دستگیری قبلی و غیر آن.

۴- تجهیز واحدهای اثر بردار بیولوژیک در سرتاسر کشور برای اثر برداری حداکثری و دقیق از صحنه‌های جرم مربوط به تجاوزهای جنسی و اندام قربانیان.

۵- ایجاد و اعلام خط تماس محرمانه (با الزام و قطعیت حفظ اسرار و هویت قربانیان جرم) برای برقراری تماس، دریافت مشاوره و اعلام جرم از سوی قربانیان جرم با الزام به دسترسی تعداد کاربران محدود و متخصص.

۶- ایجاد قطعیت و الزام در ارسال تمام نمونه‌های بیولوژیک جنایی به تشخیص هویت ناجا با توجه به سه ویژگی منحصربه‌فرد در آن مرکز برای مراجع انتظامی و قضایی:

الف: رایگان بودن تمام آزمایش‌های مربوط به پی‌جویی جرائم جنسی برخلاف پزشکی قانونی.

ب: حذف بایگانی قدیمی از نوع فیزیکی و تأسیس بایگانی مجازی دائمی و ماندگار (پروفایل).

پ: قابلیت انجام اقدامات تطبیقی با نمونه‌های جنایی و آزمایشی تمام پروفایل شده سراسری (ملی).

۷- استخدام و تربیت بازجویان تعلیم‌دیده زن برای مصاحبه، بازجویی، تحقیق از قربانیان مؤنث تجاوزهای جنسی در سازمان پلیسی کشور.

۸- استخدام و به‌کارگیری روان‌شناسان تحصیل‌کرده در گروه‌های پی‌جویی تجاوزهای جنسی در سازمان پلیسی کشور.

۹- تربیت و به‌کارگیری بازجویان متخصص برای پی‌جویی جرائم جنسی علیه افراد مذکر نابالغ (کودکان، نوجوانان و جوانان) با توجه به پیچیدگی‌ها و ظرافت‌های مربوط عدم بیان واقعیات از سوی این دسته از قربانیان.

۱۰- ممانعت از پراکندگی و چندگانگی پی‌جویی تجاوزهای جنسی در رده‌های مختلف سازمان کشور (آگاهی، اطلاعات، کلاتری‌ها) و ایجاد قطعیت در پی‌جویی متمرکز تجاوزهای جنسی در پلیس آگاهی با توجه به ظرفیت‌ها و زیرساخت‌های موجود (با تأکید بر توسعه و تکمیل زیرساخت‌های فعلی) که در سایر ساختارهای پلیسی به‌غیر از آگاهی وجود ندارد.

قضایی

۱- ایجاد الزام و حتمیت در کانون‌های وکلا و مراجع قضایی برای عهده‌گیری مسئولیت حمایت کامل قضایی از زنان قربانی تجاوز جنسی در تمام مراحل پرونده شکایت (اقدامات

پلیسی + تمام مراحل دادرسی تا مرحله اجرای حکم) توسط وکلای کارآمد زن به صورت کاملاً رایگان همراه با مراعات سهمیه مساوی و مستمر برای وکلای هر شهرستان.

۲- حذف تمامی هزینه‌ها و تعرفه‌های مطرح در فرآیند شکایت قربانیان تجاوز جنسی شامل ابطال و معاینات و آزمایش‌های تشخیصی و اثباتی اولیه و تکمیلی و نهایی، با توجه به اینکه در مواردی مکرر دیده شده که قربانیان به علت گرانی هزینه‌ها و عدم تمکن مالی از ابتدا و یا از اواسط مراحل تکمیل پرونده، شکایت خود را ادامه نداده و در نتیجه به علت عدم انجام آزمایش‌های تعیین‌کننده، روند پرونده به نفع متجاوزین و به ضرر قربانیان تغییر پیدا کرده (با این توضیح که در حال حاضر تمامی آزمایش‌های بیولوژیک از نوع اولیه، تکمیلی و نهایی برای قربانیان تجاوزهای جنسی، در سازمان پلیسی کشور کاملاً رایگان و در سازمان پزشکی قانونی کشور غیر رایگان و تقریباً گران‌قیمت است).

۳- تأسیس شعب ویژه رسیدگی به تجاوزهای جنسی توأم با آدم‌ربایی در دادسراهای سراسر کشور

۴- حذف هرگونه تخفیف درباره متهمان واقعی مرتکب تجاوزهای جنسی

۵- اعمال مجازات حداکثری درباره محکومین تجاوزهای جنسی

۶- حذف اعطای هرگونه مرخصی برای محکومین تجاوزهای جنسی با توجه به احتمال تکرار جرم در زمان حضور در مرخصی

۷- جلوگیری از آزادی متهمین تجاوزهای جنسی در فاصله زمانی بین تحقیقات اولیه تا مرحله اجرای حکم

۸- انجام مطالعات و اقدام برای اصلاح قوانین فعلی مربوط به تجاوزهای جنسی و تعمیم مجازات حداکثری به تمام انواع تجاوزهای جنسی (و به‌ویژه رفع محدودیت فعلی در تعلق مجازات به شرط قطعیت دخول) شامل تجاوزهای غیر دخول، دهانی و اندامی از

طریق ارائه لایحه برای تغییر قانون، با توجه به سوءاستفاده‌هایی که در حال حاضر مجرمین از این محدودیت نمونه و بسیاری از تجاوزهای مغایر با تعریف فعلی، از چرخه‌ی تعلق مجازات خارج می‌شوند.

۹- ایجاد محدودیت و ممنوعیت در دسترسی وکلا و بستگان متهمین تجاوزهای جنسی به اطلاعات مربوط به هویت و نشان قربانیان جرم که غالباً به مراجعات مکرر منجر به جلب رضایت قربانیان، تهدیدات منجر به اعلام رضایت قربانیان و یا آسیب‌رسانی بعد از تعلق و تحقق مجازات از سوی بستگان، شرکا جرم و افراد اجیرشده از سوی مجرمین و خانواده آن‌ها می‌گردد.

۱۰- ملاک عمل قرار گرفتن ادله محوری، استناد محوری به موازات اقرار محوری با توجه به سیاست‌های معطوف به تضعیف و نفی اقرار گیری با روش‌های سنتی در سراسر کشور. امید است با عملی کردن این موارد شاهد کاهش وقوع تجاوزهای جنسی باشیم.

نتیجه‌گیری

تجاوز به عنف در طول تاریخ همواره به‌عنوان یکی از بدترین و تأسف‌بارترین جرائم تلقی شده است که در آن علاوه بر خسارات متعددی که به بار می‌آورد به شأن و کرامت انسانی نیز توهینی عظیم صورت می‌گیرد. جرم تجاوز به عنف بزه دیدگان مستقیم و غیرمستقیم خود را از مسیر طبیعی زندگی خارج کرده و برای همیشه آن‌ها را با احساسی از شرم و عذاب رنج می‌دهد، کسانی که به علت همین شرم و خجالت اغلب از گزارش آن خودداری کرده و بار نگاه‌های پرسشگر دیگران و سختی خانواده خود را که خواه‌ناخواه در آن درگیر می‌شوند، به دوش می‌کشند و روال طبیعی زندگی خود را فراموش می‌کنند. تعمق در این مسائل اهمیت پرداختن به علل گوناگون مؤثر در این جرم را بیش‌ازپیش نمایان می‌کند. مسئله مهم این است که نمی‌توان همانند قرون پیش، فرد را به‌تنهایی مسئول

اعمال خود دانست و او را سرزنش و مجازات کرد بدون آنکه عوامل مؤثر بر رفتار او را از نظر دور نگاه داشت؛ لذا شناسایی عوامل مؤثر بر وقوع جرم می‌تواند در تدبیر چاره‌ای برای پیشگیری از وقوع آن‌ها در آینده سهم بسزایی داشته باشد.

- با بررسی‌هایی که در این تحقیق صورت گرفت می‌توان گفت که تجاوز به عنف یک پدیده اجتماعی است که محیط اجتماعی نامناسب، فقر اقتصادی، ساختار شغلی نامناسب در وقوع آن نقش اساسی دارند، علاوه بر این متغیرهای جامعه‌شناختی، متغیرهای روان‌شناختی مانند بیماری‌های روانی (به‌ویژه اختلال شخصیت ضداجتماعی) مهر طلبی، تلقین‌پذیری، اعتمادبه‌نفس پایین و... و متغیرهای زیست‌شناختی مانند شرایط سنی و مقتضیات جنسی و عوامل شخصی مانند آسیب سوءاستفاده جنسی در کودکی مؤثر هستند.

- در خصوص تجاوز به عنف کلیشه‌های نادرستی وجود دارد، تصوراتی که در بسیاری از مواقع، هم بر روی رفتار مردم عادی و هم بر روی رفتار و عملکرد نهادهای مسئول اعم از قضایی و انتظامی تأثیر می‌گذارد از جمله این کلیشه‌ها می‌توان موارد زیر را بیان نمود:

کلیشه نادرست: تجاوز به عنف یک عمل صرفاً جنسی است.

واقعیت: تجاوز به عنف یک عمل مطلقاً جنسی نیست، بلکه رفتار خشونت‌آمیزی است که در آن از اعمال و رفتارهای جنسی به‌عنوان یک ابزار استفاده می‌شود.

کلیشه نادرست: تنها زنان خاصی در معرض بزه دیدگی تجاوز به عنف قرار دارند.

واقعیت: هر زنی به‌صورت بالقوه در معرض بزه دیدگی تجاوز به عنف قرار دارد.

کلیشه نادرست: زنان با نوع لباس و آرایش خود، مرتکبان تجاوز به عنف را به ارتکاب جرم تحریک می‌نمایند.

واقعیت: علت بیشتر موارد تجاوز به عنف چیزی فراتر از نوع لباس و نحوه آرایش بزه دیدگان است.

بنابراین با نگاه منصفانه به موارد تجاوزهای جنسی می‌بینیم که مسئله رعایت نکردن حجاب و استفاده از آرایش‌های غلیظ و غیره بیشتر بهانه و توجیه از سوی مرتکبین این جرم است. در حالی که در بررسی پرونده‌های سال‌های ۸۶ تا ۹۰ ملاحظه کردیم که درصد بالایی از تجاوزهای جنسی در خصوص کودکانی بود که مورد عمل شنیع تفخیز یا زنا واقع شده‌اند. پس آیا عدم رعایت حجاب باعث رخ دادن چنین عمل شنیعی شده است مسلماً این‌طور نیست.

- در خصوص بزه تجاوز به عنف که این نکته لازم است که با توجه به سوءاستفاده‌هایی که در حال حاضر مجرمین از محدودیت قوانین فعلی (تعلق مجازات به شرط قطعیت دخول) نموده و بسیاری از تجاوزهای مغایر با تعریف فعلی، از چرخه‌ی تعلق مجازات خارج می‌شوند، بهتر است همه انواع جرائم جنسی تحت عنوان تجاوزهای جنسی مورد جرم‌انگاری قرار گیرد. زیرا عدم جرم‌انگاری برخی از صور این بزه دهشتناک پیامدهای زیادی را به دنبال خواهد داشت. از آن جمله اینکه هرگاه عملی که تحت این عنوان جای می‌گیرد در قانون مجازات جرم‌انگاری نشده باشد مسئله از دو حال خارج نخواهد بود: اول اینکه فعل مرتکب با یکی از جرائم موجود در قانون تطبیق داده شود و مجازاتی برای او در نظر گرفته شود، دیگر آنکه به علت عدم جرم‌انگاری شخص مجرم نیست و از هرگونه مجازات‌رهایی می‌یابد. با توجه به اصل مسلم و صریح «قانونی بودن جرم و مجازات» راه دوم منطقی و درست است و علاوه بر اینکه عملی باید در قانون جرم‌انگاشته شده باشد تا مرتکب آن قابل مجازات باشد این جرم‌انگاری باید صریح و روشن باشد و مرتکبان این جرائم نامعلوم را به مجازاتی معلوم رسانید. از سوی دیگر تنوع تجاوزهای جنسی و شیوه‌های آن این نیاز به اصلاح قانون و جرم‌انگاری صریح و جامع‌ومانع را بیش‌ازپیش به ما می‌نمایاند. افراد اجتماع باید اطمینان داشته باشند که هر تعرضی به آن‌ها

به‌خصوص نسبت به تمامیت جسمانی موجبات مجازات فرد متعرض را فراهم می‌کند و او نمی‌تواند به بهانه عدم جرم انگاری از مکافات عمل خود بگریزد.

- هرگونه راهبرد پیشگیرانه در خصوص این جرم باید با در نظر گرفتن تمامی انواع پیشگیری تدوین و طراحی شود و می‌توان گفت که علاوه بر لزوم مجازات هرگونه بی‌نظمی، با حضور چشم‌گیر پلیس در محل‌هایی که مستعد ربودن زنان و کودکان و ارتکاب تجاوز به عنف هست می‌توان احتمال ارتکاب این جرم را به حداقل رسانید. درواقع با تضمین امنیت می‌توان امیدوار بود که میزان کلی ارتکاب این جرائم با کاهش محسوس و قابل قبولی مواجه شود. هرچند که کنترل کامل جرائم در جامعه به‌هر حال ممکن نیست.

- با توجه به مطالعات انجام‌شده و بررسی نظرات و روند شکل‌گیری جرائم خطرناک و سریالی پیشنهاد می‌شود یک انجمن یا تشکیلاتی با بهره‌گیری از علمای حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، حقوق و... تشکیل گردد و مطالعه ویژگی‌های شخصیتی مجرمان را به عهده گرفته و به قضات، کارآگاهان و حتی متهمان کمک و درنهایت جامعه را از آسیب‌های بیشتر اجتماعی مصون بدارد. همچنین امید است که با توجه به تصریح صریح قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، ازاین‌پس پرونده شخصیت در خصوص تمامی مجرمین تشکیل شود. زیرا درواقع در وقوع هر جرمی عوامل متعددی دخالت دارند که عامل انسانی تنها یکی از آنهاست، چراکه مسائل اجتماعی، روانی، اقتصادی، خانوادگی و... دست‌به‌دست هم می‌دهند و شخص را به سمت انجام عمل خوب یا بد، مجرمانه یا غیر مجرمانه سوق می‌دهند؛ لذا شناسایی عوامل مؤثر بر وقوع جرم می‌تواند در تدبیر چاره‌ای برای پیشگیری از وقوع آن‌ها در آینده سهم بسزایی داشته باشد.

منابع

- اداره برآورد اجتماعی. (۱۳۹۱)؛ نشست علمی - تخصصی با موضوع تجاوز به عنف سریالی در شهر کرمان، معاونت اجتماعی فرماندهی انتظامی، زمستان ۹۱.
- السان، مصطفی، (۱۳۸۷)؛ جرم‌شناسی خشونت جنسی علیه زنان، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۱.
- چلبی، ارژنگ. (۱۳۹۰)؛ تحلیل حقوقی جرم شناختی تجاوز به عنف، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره جدید، شماره ۲، زمستان ۹۰، ص ۲۰۲.
- ژولیداه، صالح، (۱۳۹۱)؛ مشاوره خانواده، نمایه شده در سایت اینترنتی: www.ravan.yar.com
- سیگل، لاری، جی. (۱۳۸۵)؛ جرم‌شناسی، ترجمه یاشار سیف‌اللهی، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس آگاهی ناجا، ج اول، ۱۳۸۵، ص ۴۸.
- فرانک، چی، ویلیامز، ماری لین وی، مک شین. (۱۳۸۸)؛ ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، انتشارات ویراستار، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۱۹۹.
- متانکلایی، مریم مهری. (۱۳۸۹)؛ بررسی بزه تجاوز به عنف از نگاه جرم‌شناسی، نشر کارآگاه، دوره دوم، سال سوم پاییز ۸۹، شماره ۱۲، ص ۱۲۸.
- معاونت حقوقی و امور مجلس، نمایه شده در سایت اینترنتی: www.hvm.ir
- Cavendish law card series, criminal law, 5 the d -London Rutledge-2006
- Janet Mayer, M.A, sexual Rape, London, greenwood press, 2011